هزار و یک شب در غرب
شریفی عبدالواحد

ترجمه حسین علینقیان

1.     هزار و یک شب در فرانسه

عموماً چنین تصور می‌شود که شرق‏شناس فرانسوی، آنتوان گالان[[1]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn1) برای اولین بار در تاریخ ادبیات اروپا، به ترجمه هزار و یک شب به زبان فرانسه در میانه سال‏های 1704 ـ 1717 در دوازده جلد دست زده است. نیز این ترجمه با موفقیت فوری و خیره‏کننده روبرو شده و در تمامی اروپا شیوع یافت و برای چاپ آن در همه جا رقابت می‌شد و به مدت یک سده به عنوان تنها ترجمه «شب‏های شهرزاد» در دنیای غرب مطرح بوده است.

واقعیت آن است که گالان، «هزار و یک شب» را با تصرف، ولی به اعتدال و مهارت ترجمه کرد.[[2]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn2) او می‌خواست با این کار از ورود به ساختار پیچیده اصل داستان‏ها خودداری نماید و از مطالب تکراری و جزئیات خسته‏کننده‏ای که به نظم داستان‏ها و ساختار درونی آنها خلل وارد می‏کنند، اجتناب ورزد. درست است که جادو و کارهای خارق‏العاده و دنیای جن‌ها و ارواح نقش بارزی در توفیق ترجمه دارند، اما مهم این است که این امور به‏وضوح و سادگی و زیبایی روایت می‌شوند.[[3]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn3)

حق آن است که گالان ترجمه‏ای زیبا و خوش‏سبک برای مردمانش ارائه داد و ماجراها و تصاویر را با امانت و مطمئن، ترسیم کرد و حس و حال شرقی، از دیباچه‏ای باشکوه به خوانندگان فرانسوی عرضه شد. ترجمه گالان بیشترین و مهم‏ترین داستان‏های معروف نسخه اصلی کتاب را در بر دارد. شاید عجیب به نظر برسد در دورانی که گرایش عقلانی و مفاهیم کلاسیک، غالب بوده و میان سنت و مدرنیته چالش وجود داشته است، «آن شب‏ها» به موفقیتی آنی و درخور توجه دست یافت؛ از این رو به هنگام بررسی عوامل این موفقیت و میزان تأثیری که هزار ویک شب  در فرهنگ فرانسه داشته، سؤالات بسیاری به ذهن خطور می‏کند: ارتباط شب‏های عربی با کلاسیک جدید چه بوده؟ چرا حکایات شهرزاد، شگفتی بیشتر خوانندگان فرانسوی را برانگیخت؟ مهم‏ترین تغییرات ادبی و فکری در قرن هیجده در فرانسه چه بوده؟ علت پرداختن متفکران و نویسندگان به تمامی‌ دستاوردهای شرقی در این دوره از تاریخ سیاسی و ادبی فرانسه، چه بوده است؟

در آغاز، اشاره می‌داریم که تاریخنگاران معمولاً قرن هیجدهم فرانسه را دوران روشنگری می‏خوانند؛[[4]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn4) دورانی که شاهد آوردگاه‏های سرنوشت‏ساز فکری و گرایش‏های عقلی و فلسفی برای زیر و رو کردن ادبیات با امواج سهمگین خود و برای رهاسازی انسان فرانسوی از اوهام قرون وسطا بود. گزاف نیست اگر بگوییم حرکت روشنگری ـ که فلاسفه بورژوازی پرچم‏دار آن بودند ـ  آثار خود را در مجالات مختلف حیات فرانسه به‏وضوح برجای نهاد و انقلاب فرانسه خود در برخی جنبه‌ها چیزی جز نتیجۀ تلاش آن فلاسفه ـ که در اجتماع خود تأثیر بسزایی داشته ـ نبوده است.

در نیمۀ اول قرن هیجده، بسیاری از امور در فرانسه تغییر یافت و نظام سلطنتی مطلقه جایگاه مردمی خود را از دست داد و از نفوذ کلیسا در عقل‌ها کاسته شد و روحانیت مسیحی هم‏پیمان با فتودالیسم، با شکستی بزرگ روبرو شد؛ آزادی مورد نظر در تمامی زمینه‌ها ایجاد شد و مفاهیم جدید در تمامی انحای فرانسه با سرعتی شگرف انتشار یافت و فلاسفه روشنفکری توانستند مهم‏ترین اهداف خود را که با ظرافت طراحی کرده بودند، به مرحلۀ اجرا در آورند... .[[5]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn5) اساس اجتماع نیز تغییر یافته بود و شرایط برای فروپاشی حکومت و بروز انقلاب بزرگ فراهم شده بود...؛ اما در میدان ادبیات، بروز نشانه‏های تحول در کلاسیک جدید در آغازین سال‏های قرن هیجدهم و همزمان با اعلان حکومت پادشاهی توسط لویی چهاردهم ( 1638ـ1715 م) رخ داد.[[6]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn6)

به نظر می‌رسد پیشرفت همه‏جانبۀ علوم در این دوره سبب تحقیر گذشته و بی‏اعتنایی به اعتقادات شده بود. می‌توان گفت ادبیات کلاسیکی که ستایشگر میراث و دورافتاده از تودۀ مردمی بوده، کم‏کم در این دوره در پی چالش‏های اجتماعی و فکری و ظهور نسل جدیدی از نویسندگان و خوانندگان جدا از ارزش‏های قدیم، به افول گرایید؛[[7]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn7) به بیان دیگر فرانسویان از ادبیات کلاسیک که در خدمت اهداف اشرافی‏گری و دارای اصول و قواعد ثابت و غیرقابل مناقشه بوده است، متنفر شده بودند. آنچه بر اهمیت موضوع می‌افزاید، رویارویی مردم با ادبیات دیگر ملت‌ها و بروز جریان‏های فکری منادی قانونی‏بودن اشباع حسن‏گرایی و احترام به آزادی فردی بود. در این گیرودار تحولات، آنتوان گالان «هزار و یک شب» را به زبان فرانسه ترجمه کرد، و تعجب ندارد که این داستان‏ها، شگفتی جمهور را برانگیزد و توفیقی آنچنانی بیابد. ظهور این داستان‏ها دوشادوش تحولات هنری فرانسه و هماهنگ با حس‏گرایی نو بوده است. داستان‏های شهرزاد در تمامی فرانسه رواجی بی‏مانند داشت و زشت و زیبا و عقلانی و خیالی و غیبی و علمی را ـ همه ـ در برداشت.[[8]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn8)

اگر شرایطی که ادبیات فرانسه پشت سرگذاشت، ملحوظ واقع شود، شکی نیست که «هزار و یک شب» به منبعی سرشار برای تخیل فرانسوی تبدیل شد و راه برونرفت به دنیای جدید و فارغ از ملالت کلاسیک را به نویسندگان و خوانندگان عرضه داشت؛ به عبارتی حکایات شهرزاد در برابر روح زمانه ایستاد و در مقایسه با آثار متفکران آن دوره، همچون ولتر، دیدرو و مونتسکیو، به عنوان اثری برتر مطرح شد... .[[9]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn9)

2.     هزار و یک شب در اروپا

ترجمه آنتوان گالان به موفقیتی قاطع دست یافت و طولی نکشید که به بسیاری از زبان‏های خارجی ترجمه شد و شهرت و رواج آن در اروپا به مانند رواج *ادیسه و الیاد هومر* بود و جایگاه ممتازی در ادبیات جهانی به دست آورد.

بسیاری از محققان بر آن‏اند حکایات شهرزاد با مضامین و اشکال آن، خوانندگان اروپایی را مدهوش ساخت و اروپاییان را در ورود به دنیای سحرآمیز شرقی یاری کرد. به نظر می‌رسد مترجمان در هر زبانی تلاش کردند حکایات شهرزاد را با شیوه‌هایی زیبا به ذهن و زبان مردم خود نزدیک سازند. اگر تأکید کنیم که اروپاییان در تصرف جایگاه هزار و یک شب در کتابخانه جهانی تقدم داشته‏اند، مبالغه نکرده‏ایم.

گفتنی است است ترجمه «آن شب‌ها» به زبان‏های اروپایی، در دو مرحله اساسی به انجام رسید:

الف) مرحله اول (1708ـ 1800 م)

کشورهای اروپایی در این مرحله به ترجمه گالان به زبان‏های مختلف دست زدند. مهم‏ترین این ترجمه‌ها در جدول ذیل ارائه می‌شود:

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| زبان ترجمه | سال ترجمه | اسم مترجم | ملاحظات |
| انگلیسی | 1708 | ناشناس | این ترجمه سه بار بر اساس نسخه گالان به چاپ رسید. «GRHBSTREET » نامیده می‌شد؛ زیرا مترجم آن ناشناخته بود.  |
| آلمانی | 1712 | تالندر (talendwr )  | در چهار مجلد انتشار یافت. |
| ایتالیایی (ونیز) | 1722 | ناشناس | 12جلد |
| هلندی (آمستردام) | 1732 | ناشناس | 12جلد |
| دانمارکی (کوپنهاک) | 1745 | ناشناس |   |
| روسی | 1763 | فیلاتوف (filatoff )  | این ترجمه هفت سال طول کشید. |
| آلمانی | 1785 | یوت . ه. فوس |   |
| بلژیکی (فلامند) | 1788 | ج.ب. رومل | ترجمه آن هشت سال به طول انجامید. |
| آلمانی | 1794 | سراوپر (sur ober )  | به دو زبان آلمانی و عبری انتشار یافت. |
|  |  |  |  |  |

ب) مرحله دوم

پس از آنکه فوران ترجمه گالان به زبان‏های اروپایی فرو نشت، در قرن نوزده و بیست میلادی، ترجمه‏های جدیدی ارائه شد که این بار مترجمان بر متن عربی و نسخه‏های بی‏شمار کتاب تکیه کردند. این ترجمه‌ها بسیارند که مهم‏ترین آن در جدول زیر ارائه می‌شود:

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| سال ترجمه | زبان ترجمه | مترجم  | نسخه مورد رجوع[[10]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn10) | ملاحظات |
| 1811 | انگلیسی | جاناتان اسکات[[11]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn11) | کلکته2 | 6 مجلد |
| 1824 | دانمارکی | راسمیسن | کلکته1 | 4مجلد و شامل 3000 شب |
| 1825 | المانی | هابیشت[[12]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn12) | ناشناس | 5 مجلد |
| 1838 | انگلیسی | هنری تورسن | کلکته2 | مترجم قبل از اتمام ترجمه جان سپرد |
| 1839-1941 | انگلیسی | لین | بولاق، برسلاو،کلکته1 | در 3 مجلدانتشار یافت و در آن حکایت عمر نعمان و فرزندان و داستان عشق­ورزی نیامده است. |
| 1837-1842 | آلمانی | گوستاو وایل | بولاق1 | 4 مجلد |
| 1882-1884 | انگلیسی | جان پاین[[13]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn13) | کلکته 1و2، بولاق | ترجمه کامل در13 مجلد |
| 1885-1888 | انگلیسی | برتن | کلکته 1و2، برسلاو | 16 مجلد |
| 1885-1889 | المانی | هنینگ | بولاق | 24 مجلد |
| 1889 | فرانسه | ماردروس | بولاق،کلکته2، برسلاو | 16مجلد با تصاویر |
| 1905 | چکسلواکی | ج. ماکریس | ناشناس |   |
| 1921-1928 | آلمانی | لیتمن | کلکته2، بولاق | 6 مجلد وکامل |
| 1927-1928 | دانمارکی | اوستراپ | چاپ قاهره | عمرنعمان حذف شد. |
| 1929 | روسی | سالیر | کلکته 2 | چاپ آن با مساعدت شرق­شناس روسی، کراچکوفسکی به انجام رسید.  |

3.     دستاوردهای ترجمه

هزار و یک شب به زبان‏های مختلف اروپایی ترجمه شد و در شمار بزرگ‏ترین وقایع فرهنگی غرب قرار گرفت. ترجمه‏های متعدد کتاب، علاوه بر نشان‏دادن ارزش هنری آن، باعث رخ دادن نتایج فرهنگی و علمی دور از انتظار شد؛ از جمله:

الف) *توجه به جمع‏آوری ادبیات مردمی*

ترجمه‏های «الف لیله و لیله» به طور آشکار میل اروپاییان را به جمع‏آوری ادبیات فلکوریک خود و تدوین آن در مجموعه­های مستقل و چاپ و انتشار آن به‏شدت برانگیخت.

در فرانسه داستان‏های مردمی و خرافی بسیاری که برگرفته از ادبیات روستایی بود، انتشار یافت. مجموعۀ مشهور شارل پیرو تجدید چاپ یافت؛ مجموعه جدید لایسن، مجموعه دوشیزه دو لایبرت (de lubert )، مجموعه هامیلتون و دیگر مجموعه‏های برگرفته از منابع شفاهی ـ روستایی با سبک و قالب زیبای شرقی انتشار یافتند؛[[14]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn14) در واقع داستان‏های روایت‏شده در طول قرن‏های هجده و نوزده میلادی توسط خانم‌ها، به شکل مجموعه و به طرزی خاص و پس از جمع‏آوری از دهان روستاییان، انتشار می‌یافت.[[15]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn15) مورنی محقق، در کتابشناسی ویژه خود، تعداد 59 مجموعه که تمامی آنها برگرفته و اقتباس‏یافته از ادبیات روستایی بوده و در سال‏های 1740 ـ1780 انتشار یافته را برشمرده است.

در آلمان، آخیم فن آرنیم و کلمنس برنتانو و برادران گریم، به جمع‏آوری و تدوین حکایات در مجموعه‌هایی دست زدند. در سال 1812 برادران گریم مجموعه‏ای از داستان‏های مردمی با نام «قصه‌های بچه‌ها و خانه» را چاپ کردند و هر دو در توضیحات این مجموعه، اذعان کردند در خلق این آثار، هشت اصل از هزار و یک شب را اقتباس کرده‏اند. نوالیس در ربع اول قرن نوزده، مجموعۀ خود با عنوان «پیاز و گل آبی» را انتشار داد و گوته نیز به جمع‏آوری حکایات پرداخت؛ مثل داستان «بافنده»، «باغهای جنیان»، «کوههای مغناطیس» و... . [[16]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn16)

می‌توان گفت توجه اروپاییان به گردآوری ادبیات فلکلوریک پس از ترجمه هزار و یک شب، فوق تصور است؛ زیرا آنها به میزان اهمیت این ادبیات در حیات ملت‌ها پی برده بودند؛ بدین روی تمامی کشورهای اروپایی به گردآوری داستان‏های عامیانه  از دهان پیران و روستاییان پرداختند و آنها را در قالب مجموعه‌هایی چاپ کردند. درست است که این داستان‏ها، گرامی داشته شد، «اما فضل در وهله اول به ویژگی‏های ممتاز هزار و یک شب برمی‌گردد... و با وجود این ویژگی‏ها می‌بایست این نوع ادبیات را مکتب حکمت‏آمیز برشمرد؛ زیرا علم و نشاط و فلسفه را همزمان ارائه می‌دهد...».[[17]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn17)

ب) گرایش به شرق‏شناسی

حکایات شهرزاد تخیل و رؤیای اروپاییان را درگیر کرد و آنها را در آسمان خیال‏انگیزش رها ساخت. از نشانه‌های تأثیر بسزای شهرزاد، شاید بتوان به اعتراف خود غربی‏ها نسبت به جایگاه والای آن اشاره کرد. در اهمیت آن آمده است: «به جز کتاب مقدس، هیچ کتابی یافت نمی‌شود که به مانند مجموعه هزار و یک شب، آنچنان انتشاری فراگیر و عالمگیر داشته باشد...؛ چه در بیشترین کشورهای پیشرفته کسی یافت نمی‌شود که این مجموعه را حداقل یک بار در عمر خود با اشتیاق نخوانده باشد...».[[18]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn18)

علاوه بر اهمیت ویژه‏ای که این حکایات در پی انتشار جهانی کسب نمود، در همان زمان، خوانندگان را به شناخت ملل به‏وجود‏آورنده آن حکایات سوق داد و آنان را به مسافرت به بغداد، مصر، شام و ایران برانگیخت. کافی است به کتاب جان ماری کاری نگاهی بیفکنیم تا از شمار نویسندگان و مسافران روزافزونی که در قرن هیجده به شرق اسلامی سفر کردند، آگاه شویم. افرادی که شهرهای «آن شب‌ها» را یکی از مهم‏ترین عواملی دانسته‏اند که آنان را ـ علی‏رغم هزینه‌های بالای مالی ـ به این سفرها کشانده است.[[19]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn19)

در واقع، ترجمه هزار و یک شب برای اولین بار به فرانسه، نقطه تحول بارزی در تاریخ ارتباطات شرق و غرب به حساب می‌آید. تحقیقات جدید نشان می‏دهد این ترجمه، واقعه‏ای غیرمرتبط با قبل و بعدش نبوده است، بلکه نقطه نهایی حرکتی بزرگ است که به توصیف شرق در قالب تصاویری خیالی و برگرفته از داستان‏های موریسیکی و سفرهای اولیه به شرق و در توصیفات زندگانی شرقی که بعدها در نوشته‌های تافرنی،[[20]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn20) شاردن،[[21]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn21) پرنی[[22]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn22) و ... تبلور یافته، می‌پرداخته است. بی‏شک این تصاویر غریب و عجیب بوده و با واقعیت شکل نیافته است: «سحر و جادو، موجودات عجیب، پرستش و...».

حق آن است که اروپاییان تا قرن پانزده میلادی، جنبه‌های مختلف شرق اسلامی را نمی‌شناختند؛ زیرا شناخت آنها نسبت به شرق، مبتنی بر منابع دست دوم شامل: سفرنامه‌ها، نوشته‌های مبشرین، گزارش‏های تاجران و مسافران بوده است...؛

اما در آغاز قرن هفده، غرب به دلایل سیاسی و اقتصادی به‏تدریج به شرق اسلامی نزدیک‏تر شد. به نظر می‌رسد اروپاییان در این دوران، خطر سیاسی و نظامی ترکان و تهدید آنها را درک کردند؛ لذا به‏سرعت به ایجاد ارتباط با آنها پرداختند. فرانسه عملاً به اعزام دیپلمات‌ها و نمایندگان خود به شرق اسلامی اهتمام ورزید و همزمان، سفیران و نمایندگان حکومت عثمانی، مورد استقبال فرانسه قرار گرفتند و سفارتخانه‌های بزرگی که گاهی به کوی تبدیل می‌شد ، برای آنها ساخته شد.

علی‏رغم تمامی این ارتباطات شدید سیاسی، تعداد مسافران اروپایی در شرق اسلامی در خلال نیمه اول قرن هفده، ناچیز باقی ماند. غایات و اهداف این مسافران، از: فعالیت‌های تبشیری، باستانشناسی، گشت و گذار، ماجراجویی، و حرکت‏های تجاری و نظامی فراتر نرفت. گزارش‏های جهانگردان، هنرمندان و مبشران، و توضیحاتی که در بازگشت به کشورهای خود انتقال می‌دادند، ناقص بود و توان بیان صادقانۀ آنها ناچیز بود و گاهی نوعی جانبداری و تعصب در آنها دیده می‌شد. بنابر تمامی این مسائل، چهرۀ شرق اسلامی در اذهان اروپاییان، مبهم، ناقص و تنیده در دو عنصر سحر و جادو باقی ماند.

اروپاییان باید تا نیمۀ قرن هفدهم منتظر می‌ماندند تا سرفصل نوینی از تاریخ ارتباطاتشان با شرق گشوده شود. در این دوره، شرکت‌های شرقی توسط وزیر مشهور فرانسوی کلبر (1619ـ 1683) تأسیس شد و گروه‏های تبلیغی کاتولیک فعال شدند و تبادلات سیاسی و اقتصادی میان اروپا و ترکیه در سطح بالایی به انجام رسید. در زمینۀ هنری، موضوعات شگفت‏انگیز به نقاشی و ادبیات راه یافت. در سال 1670 م، مولیر نمایشنامۀ شرقی خود با عنوان «بورژوازی پاک» را که وقایع آن در عثمانی (ترکیه امروزی) می‏گذشت، به نگارش در آورد؛ همچنین در سال 1672 «راسین» نمایشنامه «بایزیت» را با تلاشی بسیار در به تصور کشیدن جزئیات شرقی نگاشت.

در این دوره، بر تعداد سیاحان اروپایی و مسافرت‏شان به شرق اسلامی به طور نسبی افزوده شد. خود کلبر، وزیر، دوستان و افراد دیگر را به مسافرت به سرزمین‏های عربی و اسلامی تشویق می‌کرد. آنتوان گالان خود به عنوان نماینده اعزامی از طرف کلبر، مأموریت یافت عتیقه‏جات و نسخه‌های نادر را از ترکیه، سوریه و دیگر کشورهای شرقی برای او جمع‏آوری کند.

ترجمه «هزار و یک شب» به فرانسه، در زمانی بسیار مناسب به انجام رسید تا بسیاری از حقایق را تغییر دهد. همزمان با آمدن «هزار ویک شب» در قرن هیجده در اروپا، اهتمام ویژه‏ای برای ایجاد ارتباط با شرق ورزیده شد؛ به گونه‏ای که با هیچ دوره‏ای قابل مقایسه نبود. برای اولین بار در اروپا، چهره انسان مسلمان، از بت‏پرست بی‏اخلاق، به فردی منطقی، ارزشی، شجاع و مقاوم در برابر دشمنان تبدیل شد و برای اولین بار اروپاییان به اسلام به عنوان دینی عقلانی و به دور از عقاید مسیحی نگریستند و آن را دینی تلقی می‏کردند که به حیات اخلاقی و نیازهای جسمی همزمان فراخوان کرده است.[[23]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn23)

بنابراین می‌توان گفت ظهور ترجمه گالان، نگاه انسان اروپایی را نسبت به شرق تحول داد و چهره‏ای واضح و بسیار تأثیرگذار از شرق ترسیم کرد.

ترجمه‌های هزار و یک شب  به زبان‏های اروپایی نقش مهم و خطیری در تاریخ ارتباطات غرب و شرق و در تاریخ ادبیات جهانی ایفا نمود. گزاف نگفته‏ایم اگر با پژوهشگری به نام سهیر قلماوی هم‏قول شویم که گفت: هزار و یک شب، مهم‏ترین محرک و مشوق برای توجه غرب به شرق بود؛ توجهی که فراتر از جنبه‌های استعماری، تجاری و سیاسی بود... . توسعۀ حرکت شرق‏شناسی به تأثیر گذاری این اثر در جان غربی‌ها بر می‌گردد...  .[[24]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn24)

ج ) تأثیر هزار و یک شب در ادبیات اروپایی

از دستاوردهای ترجمۀ «آن شبها»، تأثیر آشکار آن در کارهای بزرگ ادبی غرب بود. بسیاری از نویسندگان اروپایی به این اثر هنری و به تعبیرات منحصر به فرد آن و تصاویر روایت‏شده آن توجه نشان دادند و در ادبیات خود مقوله‌های جادو، سحر و فخر شرقی را وارد کردند... .[[25]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn25) همچنین عبارات کلیشه‏ای زیبا و مشهور: سیمرغ، کوه‏های آهن‏ربا، شهر مسگر، قصرهای طلایی، فرش باد و نگین سلیمان، در ادبیات غربی رایج شد.

«آن شبها» جایگاه مهمی در ادبیات غرب به دست آورد؛ زیرا این مجموعه در بردارندۀ تصاویر پرزرق و برق و حال و هوای دلربای شرقی و موضوعات فراگیر انسانی است و در نگارش داستان‏ها و حکایات غربی و ادبیات نمایشی و موسیقی و سینمای غرب تأثیرگذار بود. علاوه بر این، ادبیات کودکان نیز به فیض «آن شبها»، به مقولۀ جدید سادگی و پویایی مجهز شد (در این فرصت مجال آن نیست که به برشماری داستان‏های کودکانه‏ای که بافت اصلی خود را به طور مستقیم از «آن شبها» اخذ کرده‏اند اشاره نماییم).

خلاصه آنکه: «آن شبها» در اروپا به منبعی سرشار تبدیل شد؛ به گونه‏ای که اروپا نمی‌توانست از آن بی‏نیاز شود. منبعی که خود در فکر و اندیشه و رموز و ساختار روایی بی نیاز از غیر بود. ویکتور شوان[[26]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn26) فهرست بلندی از ادبای غربی که از هزار و یک شب تأثیر روشنی گرفته‏اند، به دست داده است: ویلاند، برگر، ولتر، کلینگر، هوفمان، اریوست، مونتسکیو، گوبینیو، کریبیون، روکرت، ایمرمان، هاوف، تنیسون، هاربت، ک . بنجرستو، دیکنز، ادیسون، اولنشلیگر و...  . با وجود این وی اذعان داشته که فهرست مزبور صرفاً گزیده‏ای از ادبای متأثر از «لیالی» بوده است...  .

4.     تأثیر هزار و یک شب شفاهی

آیا غرب حکایات شهرزاد را قبل از ترجمه به زبانهای اروپایی می‌شناخته است؟ آیا این حکایات قبل از قرن هیجده تأثیری در ادبیات اروپایی گذاشته بود؟ پژوهشگران امکان رویارویی اروپاییان با حکایات «آن شبها» را به مدت چند سده قبل از ظهور ترجمه گالان بعید نمی‌دانند. از دیدگاه اینان، بسیاری از حکایات شرقی و عربی به شیوه شفاهی در بسیاری از نقاط اروپا انتشار یافته بود. این اتفاق در زمانی رخ داد که اروپاییان صرفاً با هدف حج به سرزمین‏های مقدس پا می‌نهادند.[[27]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn27)

در حقیقت، انتقال مجموعه‏ای از حکایات «آن شبها» به اروپا به شیوه روایی ، امری طبیعی است؛[[28]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn28) چه هزار و یک شب از هر چیز، جزء ادبیات فلکوری بوده و آزادی و انعطاف‏پذیری بیان آن، از حد و مرز بومی و اختلافات سیاسی و نظامی فراتر می‌رود. به زعم محققان، هرگاه پیوندی میان دو ادبیات شرقی و غربی به وجود آمده است، تأثیر ادبیات شرقی در گرایش‏های ادبیات فلکوریک اروپایی به گونه‏ای بوده است که سلطان ادبیات لاتین و یونان را به آوردگاه فرا خوانده و پیروز مطلق میدان بوده است... .[[29]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn29)

بعید نیست که در اندُلس، سیسیل و مناطق جنوب ایتالیا که محل پیوند عرب‌ها و مسیحیان بوده‏اند، حکایات «آن شبها» را می‌شناخته‏اند. بدیهی است میراث اسلامی ـ عربی از طریق این گذرگاه به اروپا منتقل شد و نقش این میراث در حرکت رنسانس اروپایی در آنجا ایفا گشت. ظاهراً «مسافرت‌های سندباد دریایی» در ادامه با عنوان «مشلیۀ سندباد» در زبان عبری به لاتین ترجمه شد. این ترجمه همچنان در بسیاری از نسخه‏های خطی محفوظ مانده است...  .[[30]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn30)

[احتمالاً صلیبی‌ها پاره‏ای از حکایات هزار و یک شب را شنیده بودند و آنها را به زادگاه خود انتقال دادند و از آن بهره‏مند شدند.](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888#_ftn30)[[31]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn31) همچنین شاید اروپاییان در پی تبادلات تجاری در سواحل شمالی دریای مدیترانه در اروپا و سواحل جنوبی آن در بلاد اسلامی و عربی، این حکایات را شنیده بودند؛ چه ناوگان ونیز، ولوکا، جنوا و پیزا پیوسته در سواحل سوریه، اسکندریه، تونس و آسیای صغیر در رفت و آمد بودند.

در حقیقت مقولۀ تأثیرات شفاهی هزار و یک در ادبیات اروپا، مستلزم پژوهش‏های مستقل است؛ زیرا انواع ادبی و زبان‏های مختلف متأثر از آن، متعدد و مختلف است. در ادامه به پاره‏ای از آثار ادبی متأثر از هزار و یک شب اکتفا می‏کنیم و باب وسیع آن را برای پژوهش، بررسی، بازشناسی و مقایسۀ بیشتر باز می‌گذاریم.

در اسپانیا هزار و یک شب، در تعدادی از کارهای ادبی تأثیرگذار بود؛ از جمله داستان سیفار قهرمان که بین سال­های 1299 و 1325 م ظهور کرد. همچنین داستان «زندگی، رؤیایی بیش نیست»،[[32]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn32) اثر ادیب مشهور کالدرون دولبارکا و داستان «تئودور جوان»[[33]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn33) نوشتۀ لوبی دو ویکا.

در ادبیات ایتالیا، تعدادی از داستان‏ها به‏وضوح متأثر از هزار و یک شب بوده‏اند؛ مانند داستان «استالفو» نوشته جیوانی سرکامبی و داستان «ژیکوندو» اثر ارلانو فرانسوا و مجموعۀ «دکامرون» نگاشتۀ بوکاچیو ( 1315- 1375).[[34]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn34)

از داستان‏های آلمانی برگرفته از «آن شبها»، داستان «هرفیرز متز» است که ترانه‏ای است کارآمد که در پایان قرن دوازده میلادی سروده شده است.[[35]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn35) همچنین داستان‏های «دوک ارنست»، «ایسلوده و ایسهاد» و «موریس فون کراون» که به صورت شعر و به زبان آلمانی میانه نوشته شده است.[[36]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftn36)

در ادبیات انگلیسی، داستان چسر به نام «شهسوار جوان» متأثر و بلکه برگرفته از دل هزار و یک شب است... و میدان برای انجام مقایسه‏هایی میان نمایشنامه‌های شکسپیر و حکایات شهرزاد، همچنان باز است. نمایشنامه «تندباد» نمونۀ مشابهی به نام داستان «جزیرۀ گنج‏ها» دارد. نیز تشابهاتی بین نمایشنامه «تاجر ونیزی» و داستان «مسرور تاجر و زین» وجود دارد.

خلاصه آنکه: پیوند هزار و یک شب و داستان اروپایی در قرون وسطا و رنسانس، پیوندی درهم‏تنیده و محکم است. شک نیست که بررسی دقیق داستان‏های اروپایی متأثر از «آن شبها» به منظور تعیین موقعیت تاریخی آنها در شروع داستان‏سرایی اروپایی، این پیام را در بر خواهد داشت که اگر پیوند و تعامل میان آن و فرهنگ عربی ـ  اسلامی وجود نداشت و اگر اساطیر و حکایاتی که در قرون وسطا به شکل شفاهی به جوامع اروپایی منتقل شد، در خلق آثار ادبی آنها استفاده نمی‌گشت، داستان‏سرایی غربی هیچ‏گاه اینگونه قوام و تطور نمی‌یافت.

[[1]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref1) . آنتوان گالان (ANTOINE   GALLAND, 1656-1775 ) شرق‏شناس مشهور فرانسوی كه فلسفه‌های شرقی را در دانشكده پادشاهی آموخت و در سمت‌های متعدد سیاسی خدمت كرد. شایع است كه وی به جمع‏آوری مخطوطات و عتیقه­جات و تدریس زبان عربی در كالج دو فرانس بسیار توجه نشان می‌داد. از آثار او، *ترجمه قرآن كریم*، *عباراتی برگرفته از شرقی‌ها* و *اصل و تطور قهوه* می‌باشد. برای مطالعه بیشتر، ر.ک به: M . ABELHALIM , ANTOINE   GALLAND , PARIS , GNIZET , 1964.

[[2]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref2) . گالان درحقیقت ادیبی نادر و هنرمندی بصیر و آگاه به داستان بود و بهترین داستان‏های هزار و یک شب را با زبان و اسلوب داستانی ساده و جذاب به خوانندگان خود تقدیم كرد؛ به طرزی كه خوانندگان گویی در برابر داستان‏هایی قرار گرفته‏اند كه اصلاً فرانسوی نوشته شده‏اند و بوی ترجمه نمی‌دهند.

[[3]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref3) . تمامی چیزها در داستان‏های آن شب‌ها برای خواننده فرانسوی‏زبان تازه و نو بود و گالان به‏خوبی از نحوۀ بسط و شرح داستان در قالبی فاخر و اصیل، آگاه بود.

[[4]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref4) . اصطلاح «روشنگری» کلاً به معنای كشف حجاب از حقیقت امور و استفاده از تجربه است و معنای خاص آن، همان حرکت فکری است که در پی جنگ‏های ویرانگر میان بورژوازی و اشرافی‏گری در اروپا مستولی شد. رویكرد عمدۀ آن نیز پایان‏دادن به نظام قدیم و پایه‌ها و تشكیلات آن بود. (ر.ک به: ایسیا بیرلین؛ *عصرالتنویر*؛ ترجمه فواد شعبان؛ دمشق: وزارة الثقافه ، 1980 م).

[[5]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref5) . روشنفكران قصد سازندگی داشتند و قادر به از بین‏بردن تاریكی‏ها بودند. به فكر سیاستی جدید بودند كه رعایا به شهروندان مبدل شوند و سازمان­های خشونت را برنمی‌تابیدند و برای تربیت، اصول نوینی بنا نهادند كه فرزاندانشان را از ورود به اشتباهات گذشته در امان دارند، و طبیعی است كه این تفكر جدید در اندیشه فرانسه تأثیرگذار باشد؛ زیرا این نوع تفكر حاوی مفاهیم نوینی با بیشترین دمكراسی و آزادی بود...  .

[[6]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref6) . لوئی چهاردهم یا خورشیدشاه، به زور اسلحه و فشار بر فرانسه حكومت كرد و نظام حكومتی خود را بر پایه قدرت مطلقه وزرا و مدیریت مركزی بنا نهاد... شایع است كه وی در اواخر حكومتش، تمام منابع مالی را در راه نشان­دادن عظمت و ابهت پادشاهی‏اش ، مصرف كرد.

[[7]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref7) . فیلیپ فان تیغم؛ *المذاهب الادبیه الكبری فی فرنسا*؛ ترجمه فرید انطونیوس؛ لبنان: دارعویدات، 1975، ص 129/« الف لیله ولیله فی الغرب»، مجله الموقف الادبی، العدد 337 ، ایار 1999 م.

[[8]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref8) . درباره تأثیر هزارو یک شب بر فرهنگ و ادبیات فرانسه، از جمله آمده است: «در آگهی‌های تبلیغاتی بی‏شمار برای هتل‌ها، رستوران‌ها، شب نشینی‌ها، شب‌های شعر و موسیقی و... در تابلوهای اعلانات شهر پاریس و دیگر شهرهای فرانسه نیز در مطبوعات و به‏خصوص روزنامه‌های تبلیغاتی و از همه مهم‏تر در سایت‌های اینترنتی از عدد هزار و یک  و گاهی از هزار و یک شب استفاده می‌كنند. در تاریخ ده اكتبر 2004 تعداد 671333 موضوع یا عنوان به زبان فرانسه با تشبیهات شاعرانه و زیبا نظیر هزار و یک آتش شادی، هزار و  یک شعله، هزار و یک گنجینه، هزار و یک شب، هزار و  یک روز، هزار و یک داستان ... روی دو سایت ثبت شده بودند» (احمد کامیابی مسک؛ «هزار و یک شب درفرانسه»؛ فصلنامه هنر، ش 61، ص 23 (م) ).

[[9]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref9) . كاتیرنا مومسن؛ *جوته و الف لیله و لیله*؛ ترجمه احمد حمو؛ دمشق: وزارة التعلیم العالی، 1980، ص 12ـ 13 .

[[10]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref10) . نخستین چاپ هزار و یک شب، به زبان عربی در دو جلد و در میانه سال‏های 1814 ـ 1818 میلادی در كلكته به زیور طبع آراسته شد و سپس بار دیگر بین سال‏های 1839 ـ1842 در چهار جلد عرضه شد؛ پس از آن در سال 1835 در بولاق مصر نیز منتشر شد. بهترین چاپی كه تاکنون از هزار و یک شب به زبان عربی منتشر شده است، متن انتقادی و پاكیزه‏ای است كه با مقدمه و تصحیح محسن مهدی در 2 جلد به سال 1984 در لیدن به چاپ رسید. مصحح در مقابله اثر چاپ‏های كلكته و بولاق و همچنین نسخ خطی را نیز مد نظر قرار داده است؛ گوشه‏چشمی هم به ترجمه‌های اروپایی و پژوهش‏های محققان دربارۀ ریشه و شكل‏شناسی قصه‌های هزار و یک شب داشته است (به نقل از: احمد رحیم‏خوانی سامانی، «نیم‏نگاهی به برخی از ترجمه‌ها و چاپ‌های هزار و یک شب؛ فرهنگ بام ایران، ش 1، قس: «هزارویك شب و دنیای غرب»؛ كتاب ماه ادبیات و فلسفه ، دی ماه 1381 ص 30 ).

[[11]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref11) . اسكات در اثر خود «داستان‏های خاصی را از یك نسخه خطی هزار و یک شب كه جمیز اندرسن آن را از هند آورده بود، ترجمه كرد، و در سال 1811 بر ویراستی كه از یك ترجمه انگلیسی اثر گالان منتشر كرد، یک جلد از داستان‏های جدید را كه از نسخه خطی دیگری به دست آورده بود، افزود. این نسخه خطی در حال حاضر با عنوان نسخه «ورتلی مونتاگ» در آكسفورد نگهداری می‌شود» (ای. لیتمن؛ «هزار و یک شب»؛ ترجمه دكتر محمدجواد مهدوی؛ كتاب ماه هنر، شماره 81-82 (م) ).

[[12]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref12) . بنا به گفته خود‌ هابیشت، وی در برسلاو «نسخه دستنویس كاملی از هزار و یک شب را كه شخصی به نام مردخای‏بن‏نجار از تونس برای او فرستاده بود، دریافت داشت و در 1824 شروع به ترجمه آن به زبان آلمانی نمود و حاصل كارش را در 1825 منتشر ساخت...؛ در واقع جای بسی تردید است كه دست‏نویس تونسی هابیشت هرگز وجود داشته باشد. چنین به نظر می‌رسد كه تنها كاری كه وی كرده، آن  بوده است كه داستان‏هایی را از دستنویس‏های مختلف هزار و یک شب و مجموعه داستان‏های عربی دیگر كه در كتابخانه‏ای اروپایی وجود داشته است، سرهم كند و چون متن چاپی بولاق در 1836 در آمد، از داستان‏های آن هم استفاده كرد». (رابرت ایروبن؛ «هزار و یک شب و دنیای غرب»؛ ترجمه فریدون بدره‏ای؛ کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ش 63، 1389 (م).

[[13]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref13) . برای مطالعه مفصل سرگذشت ترجمه جان پاین ر.ک به: «هزار و یک شب و دنیای غرب»؛ كتاب ماه ادبیات و فلسفه، دی ماه 1381، ص 31 به بعد.

[[14]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref14) . ر.ک به: F . BARGLIILET , GE   ROMAN  AU  XVLLEME  SIECLE , PARIS . P . u . F . 1961 , PP . 65- 67 .

[[15]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref15) . برای نمونه به این افراد اشاره می‌کنم : خانم‌ها: دولیزان، دوبومارت، دولنوای.

[[16]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref16) . فردریش فون دیرلاین؛ *الحكایه الخرافیه*؛ ترجمه نبیله ابراهیم؛ بیروت: دارالقلم ، ص 25.

[[17]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref17) . کاترینا مومسن، ص 14.

[[18]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref18) . همان، ص 14.

[[19]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref19) . CF . T . M . CARRE , VOYA  GEURS ET ECRIVAINS , FRANCAIS  ENEGYPTE , LE CAIRE , 1956 , PP . 39- 76.

[[20]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref20) . تافرنی، جهانگرد مشهور فرانسوی كه در میانه  سال‏های 1630 و 1639 در سفرهای ششگانه خود توانست اكثر كشورهای آسیایی را سیاحت كند و در بازگشت، اطلاعات زیادی به چنگ آورد و در كتابش «سفرها» آنها را بازتاب دهد.

[[21]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref21) . شاردن، جهانگرد فرانسوی صاحب كتاب «مسافرت به هند و فارس».

[[22]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref22) . پرنی، پزشک و جهانگرد فرانسوی كه دوازده سال همراه اورنگ زیب، آخرین پادشاه مغول كبیر هند مشغول پزشکی بود.

[[23]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref23) . ماكسیم رودنسون؛ *الصورة الغربیه و الدراسات الغربیة الاسلامیه* فی «تراث الاسلام»؛ تصنیف شاخت و بوزت، ترجمه حسین مونس؛ كویت: عالم المعرفه، 1978، ص 64.

[[24]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref24) . سهیر القلماوی؛ *الف لیله و لیله*؛ القاهره: دارالمعارف، ص 64 .

[[25]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref25) . همان، ص 68.

[[26]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref26). See. V . CHAUVIN , BIBLIOGRAPHIE , DES OUVRAGES ARABES LIEGE , 1990 , TOME .

[[27]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref27) . ر.ک به: صفاء خلوصی؛ *دراسات فی الادب المقارن و المذاهب الادبیه*؛ بغداد: مطبعة الرابطه، 1957 ، ص 27 ـ 31 .

[[28]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref28) . بخشی از این انتقال و تأثیر، پس از ظهور مجموعه‏ای از تحقیقات دانشگاهی روشن شد؛ مثل: تحقیق استاد جاستون پاری كه در آن داستان­های شرقی و انتقال آنها به ادبیات قرون وسطای اروپایی را كاویده است و نیز تحقیق استاد كاسكان كه در آن كوشیده است منابع شرقی بوكاچیو را تعیین نماید؛ همچنین تحقیقات هامیلتون گیپ و ترند و مك دونالد كه در آن تأثیر داستان شرقی در ادبیات غربی را به مداقه گذاشته‏اند.

[[29]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref29) . جب؛ *تراث الاسلام*؛ ترجمه عبداللطیف حمزه؛ القاهره: لجنته التألیف و الترجمه، 1936، ص 156.

[[30] . عبدالرحمن بدوی؛](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref30) *[دور العرب فی تکوین الفکر الاروبی](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref30)*[؛ بیروت: دارالقلم، 1979، ص 67.](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref30)

[[31]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref31) . زكی النقاش؛ *العلاقات الاجتماعیه والثقافیه و الا قتصادیه بین العرب و الافرنج خلال الحروب الصلیبیه*؛ ص 194.

[[32]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref32) . پاره ای محققان برآنند كه این داستان بسیار متأثر از داستان «خواب ـ بیدار» است.

[[33]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref33) . كالدیرون، این داستان را به شیوۀ حكایت «كنیز عاشق می‌شود» نگاشته است.

[[34]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref34) . بوكاچیو مجموعه خود را در سال 1349 م نوشت و در آن یكصد داستان را به شیوه داستان‏های «آن شبها» حكایت كرد. این داستان‏ها مربوط به هفت زن و سه مرد است كه برای فرار از طاعون، به اطراف شهر پناه می‏برند.

[[35]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref35) . استاد جردن تشابهات قصه هرفیز و نورالدین در هزار و یک شب را تعیین کرده است.

[[36]](http://daftarmags.ir/Journal/Text/AeeneyePajouhesh/Article/index.aspx?JournalNumber=128&ArticleNumber=28888" \l "_ftnref36) . در این داستان، اندیشه عاشقی كه خواب بر او چیره گشته و در انتظار معشوق است، تكرار می‌شود.

همچنین داستان‏های «دوک ارنست»، «ایسلوده و ایسهاد» و «موریس فون کراون» که به صورت شعر و به زبان آلمانی میانه نوشته شده است.

نوشتۀ لوبی دو ویکا. اثر ادیب مشهور کالدرون دولبارکا و داستان «تئودور جوان» نوشتۀ لوبی دو ویکا.

همچنین شاید اروپاییان در پی تبادلات تجاری در سواحل شمالی دریای مدیترانه در اروپا و سواحل جنوبی آن در بلاد اسلامی و عربی، این حکایات را شنیده بودند؛ چه ناوگان ونیز، ولوکا، جنوا و پیزا پیوسته در سواحل سوریه، اسکندریه، تونس و آسیای صغیر در رفت و آمد بودند.

چه هزار و یک شب از هر چیز، جزء ادبیات فلکوری بوده و آزادی و انعطاف‏پذیری بیان آن، از حد و مرز بومی و اختلافات سیاسی و نظامی فراتر می‌رود. به زعم محققان، هرگاه پیوندی میان دو ادبیات شرقی و غربی به وجود آمده است، تأثیر ادبیات شرقی در گرایش‏های ادبیات فلکوریک اروپایی به گونه‏ای بوده است که سلطان ادبیات لاتین و یونان را به آوردگاه فرا خوانده و پیروز مطلق میدان بوده است... .

فهرست بلندی از ادبای غربی که از هزار و یک شب تأثیر روشنی گرفته‏اند، به دست داده است: ویلاند، برگر، ولتر، کلینگر، هوفمان، اریوست، مونتسکیو، گوبینیو، کریبیون، روکرت، ایمرمان، هاوف، تنیسون، هاربت، ک . بنجرستو، دیکنز، ادیسون، اولنشلیگر و...  . با وجود این وی اذعان داشته که فهرست مزبور صرفاً گزیده‏ای از ادبای متأثر از «لیالی» بوده است...  .

همچنین عبارات کلیشه‏ای زیبا و مشهور: سیمرغ، کوه‏های آهن‏ربا، شهر مسگر، قصرهای طلایی، فرش باد و نگین سلیمان، در ادبیات غربی رایج شد.

و ... تبلور یافته، می‌پرداخته است. بی‏شک این تصاویر غریب و عجیب بوده و با واقعیت شکل نیافته است: «سحر و جادو، موجودات عجیب، پرستش و...». پرنی و ... تبلور یافته، می‌پرداخته است. بی‏شک این تصاویر غریب و عجیب بوده و با واقعیت شکل نیافته است: «سحر و جادو، موجودات عجیب، پرستش و...». شاردن، پرنی و ... تبلور یافته، می‌پرداخته است. بی‏شک این تصاویر غریب و عجیب بوده و با واقعیت شکل نیافته است: «سحر و جادو، موجودات عجیب، پرستش و...».

مورنی محقق، در کتابشناسی ویژه خود، تعداد 59 مجموعه که تمامی آنها برگرفته و اقتباس‏یافته از ادبیات روستایی بوده و در سال‏های 1740 ـ1780 انتشار یافته را برشمرده است. در واقع داستان‏های روایت‏شده در طول قرن‏های هجده و نوزده میلادی توسط خانم‌ها، به شکل مجموعه و به طرزی خاص و پس از جمع‏آوری از دهان روستاییان، انتشار می‌یافت. مورنی محقق، در کتابشناسی ویژه خود، تعداد 59 مجموعه که تمامی آنها برگرفته و اقتباس‏یافته از ادبیات روستایی بوده و در سال‏های 1740 ـ1780 انتشار یافته را برشمرده است.

به بیان دیگر فرانسویان از ادبیات کلاسیک که در خدمت اهداف اشرافی‏گری و دارای اصول و قواعد ثابت و غیرقابل مناقشه بوده است، متنفر شده بودند. آنچه بر اهمیت موضوع می‌افزاید، رویارویی مردم با ادبیات دیگر ملت‌ها و بروز جریان‏های فکری منادی قانونی‏بودن اشباع حسن‏گرایی و احترام به آزادی فردی بود. در این گیرودار تحولات، آنتوان گالان «هزار و یک شب» را به زبان فرانسه ترجمه کرد، و تعجب ندارد که این داستان‏ها، شگفتی جمهور را برانگیزد و توفیقی آنچنانی بیابد. ظهور این داستان‏ها دوشادوش تحولات هنری فرانسه و هماهنگ با حس‏گرایی نو بوده است. داستان‏های شهرزاد در تمامی فرانسه رواجی بی‏مانند داشت و زشت و زیبا و عقلانی و خیالی و غیبی و علمی را ـ همه ـ در برداشت.

اساس اجتماع نیز تغییر یافته بود و شرایط برای فروپاشی حکومت و بروز انقلاب بزرگ فراهم شده بود...؛ اما در میدان ادبیات، بروز نشانه‏های تحول در کلاسیک جدید در آغازین سال‏های قرن هیجدهم و همزمان با اعلان حکومت پادشاهی توسط لویی چهاردهم ( 1638ـ1715 م) رخ داد.

دورانی که شاهد آوردگاه‏های سرنوشت‏ساز فکری و گرایش‏های عقلی و فلسفی برای زیر و رو کردن ادبیات با امواج سهمگین خود و برای رهاسازی انسان فرانسوی از اوهام قرون وسطا بود. گزاف نیست اگر بگوییم حرکت روشنگری ـ که فلاسفه بورژوازی پرچم‏دار آن بودند ـ  آثار خود را در مجالات مختلف حیات فرانسه به‏وضوح برجای نهاد و انقلاب فرانسه خود در برخی جنبه‌ها چیزی جز نتیجۀ تلاش آن فلاسفه ـ که در اجتماع خود تأثیر بسزایی داشته ـ نبوده است.

او می‌خواست با این کار از ورود به ساختار پیچیده اصل داستان‏ها خودداری نماید و از مطالب تکراری و جزئیات خسته‏کننده‏ای که به نظم داستان‏ها و ساختار درونی آنها خلل وارد می‏کنند، اجتناب ورزد. درست است که جادو و کارهای خارق‏العاده و دنیای جن‌ها و ارواح نقش بارزی در توفیق ترجمه دارند، اما مهم این است که این امور به‏وضوح و سادگی و زیبایی روایت می‌شوند.

برای اولین بار در تاریخ ادبیات اروپا، به ترجمه هزار و یک شب به زبان فرانسه در میانه سال‏های 1704 ـ 1717 در دوازده جلد دست زده است. نیز این ترجمه با موفقیت فوری و خیره‏کننده روبرو شده و در تمامی اروپا شیوع یافت و برای چاپ آن در همه جا رقابت می‌شد و به مدت یک سده به عنوان تنها ترجمه «شب‏های شهرزاد» در دنیای غرب مطرح بوده است.